



لوگو در سوره انعام

مترجم: شعله حکمت

راوی ایلیاد از نوعی دیگر

ظوری که متن به عصر ما نزدیک باشد و در عین حال بیاتر حال و هوای آن زمان باشد به این ترتیب درک آن هم برای خواننده امروز آسان تر می شود.

○ در آغاز کارتان اثری از ترودا ترجمه کردید. آیا تا حالا به فکر افتادهاید روی اثر دیگر غیر از آثار هومر کار کنید؟

- کاری که در مورد هومر کردم یک ترجمه در معنای متللول آن نیست چند سال پیش به ترجمه هفت گناه کبیره اثر «ویل» پرداختم که فعلاً بنا به دلایلی چاپ نشده است در هر صورت شیوه کار من به صورتی بوده است که بر جلوانه گی این آثار تأثیری نداشته است شعری از «کیت هر» به یاد دارم که به نوعی بیان حال روشن ترجمه و زندگی من است و آن شعر به این صورت است.

این جاودانه گی اسبی است.
بگذار بر آن سوار شوم
برخی می اندیشند که قفسه سینه این اسب ضعیف است.
برخی نیز زانوانش را دوست ندارند.
اما نکات بسیاری است که می توان از آن فراگرفت چنانچه بدان آگاهی یابید
اگر اسب مطابق با برنامه پیروز شود چیزی برای از دست دادن وجود ندارد.

از اولین کسانی که در این زمینه به من کمک کرد دوشیزه کرو بود. او نقش های مختلفی را به من داد آن هم وقتی من هشت ساله بودم و از بازی در این نمایش ها لذت می بردم بعدها روی آثار ادبی کار می کردم و اشعار مشهور و متداول و به خصوص آثار شکسپیر علاقه مند شدم و خیلی ها معتقدند تأثیر شکسپیر روی نوشته های من غیر قابل انکار است.

○ در شعری که «هنرمندان هم قطار من» نام دارد آثار افرادی چون ایوت و آدن را تحسین می کنید ولی همه می دانند که شما عقاید مذهبی و سیاسی آن ها را قبول ندارید، در این باره کمی توضیح بدهید.

- من هنر آن ها را تحسین می کنم و هنرمندانی مثل آن ها کمتر دیده ام و همین جنبه هم هست که برای من به عنوان یک نویسنده اهمیت دارد.

○ شما جزو مترجم هایی هستید که اعتقادتان به ترجمه آزاد است و هر قسمتی را که زاید تشخیص بدهید حذف می کنید و گاهی هم چیزهایی اضافه می کنید آیا با این کار به اصل متون لطمه نمی خورد؟

- من می خواهم کاری در مورد ایلیاد انجام دهم که یک شعر مستقل باشد. کمی موضوع را بسط می دهم و اندکی از متن اصلی هومر فراتر می روم.

لوگو در سال ۱۹۲۶ به دنیا آمد در مدرسه پورتس ماوٹ تحصیل کرد شانزده ماه از عمر خود را در زندان ارتش گذراند او چند جلد کتاب شعر و یک رمان نوشته است و ایلیاد هومر را نیز ترجمه کرده است، ترجمه ای متفاوت که عکس العمل های متفاوتی را در بین صاحب نظران برانگیخت و باید نظر خودش را درباره آن خواند:

○ از خانواده تان بگوئید، آیا خانواده ای علاقه مند به ادبیات بود؟

- نه کاملاً در خانواده ما کتاب مورد احترام است و نه بیشتر. در واقع هیچ کدام از اعضای خانواده خواننده حرفه ای کتاب نیست.

○ آیا نوشتن همیشه برایتان ممکن است؟

- چون به عنوان یک حرفه به آن نگاه نمی کنم ترجیح می دهم اوقات مناسبی را صرف خواندن و نوشتن کنم تا حاصل کارم از نظر کیفیت بیش از حاصل کاری برای نان در آوردن باشد.

○ چه کسی اولین تأثیر را روی روحیات و در نتیجه کار شما گذاشت؟

- من علاقه زیادی به اجرای نمایش داشتم یکی